

حجاب اجباری تفرقه در صفوف و تهمیف مبارزه ضد امپریالیستی

بالخره حجاب اجباری، درست در زمانی که فعالیتهای گروههای سیاسی ممنوع شده و آزادی مطبوعات لگد مال گردیده و چاپخانه ها و کتابفروشان مورد یورش قرار گرفته اند، در سطح وسیع مطبوعات گردید. طرح چنین مسئله ای نتیجه منطقی بینشی -- خاص در مورد زنان بود که با دادن حقوق طلاق و حق تعدد زوجات به مردان، سلب حق تساوت زنان، اخراج دختران از مدارس، فنی و تحصیلات فنی، قرار دادن زنان شاغل به انحاء مختلف از قبیل بستن مهد کودکان، تصویر سن ۱۳ سال برای ازدواج دختران و غیره، خود را عریان ساخت. طراحان این مسئله عملاً "بی حجابی را مساوی با فحشا" قلمداد کرده و فراموش کرده اند که زنان روستاهای شمالی، کرد و بلوچ و ترکمن دارای حجاب به معنایی که آنها مطرح میکنند نبوده و نیستند. آنها هر نوع اعتراض را به مسئله حجاب اجباری با چسباندن مارک طاغوتی و فحشاء لوئ می نمایند.

در واقع هدف اصلی آنها بیرون راندن زنان از صحنه جامعه و سلب حق طبیعی آنها برای استفاده از امکانات مساوی برای گرفتن منافع مختلف بر حسب توانایشان است. برای آنها این مسئله که زن کالا نباشد مطرح نیست، چرا که صیغه را میپذیرند مگر جز این است که زن بصورت کالا - حتی برای چند ساعت نیز میتواند خریداری شود، آنها فراموش میکنند که فحشاء و نرمنگ امپریالیستی و زیور آلات و آرایش ربطی به حجاب ندارد. آنها میخواهند زن کالایی پوشیده باشد و عروسی خانگی. این طرز تلقی روی آن طرف سکه ای است که زن را بصورت کالای جامعه سرمایه داری با تزئین و آرایش و لباسهای گوناگون عرضه میکند. اولی کالای جامعه عقب مانده و محدود است و دومی کالای جامعه صنعتی سرمایه داری، و اصل مسئله تفسیر نمیکند. در حالیکه زنان مترقی و داند امپریالیست میدانند که زن باید به شخصیت راستین خود و به نقش خود در پیشبرد مبارزات جامعه واقف گردد. این آگاهی تنها از طریق شرکت فعال زنان در تمامی فعالیتهای سیاسی - اجتماعی و مبارزات ضد امپریالیستی همپای و همدوش مرد و استفاده از امکانات وسیع رشد و تعالی شخصیت او بدست میآید.

ما میدانیم که رضا خان و محمد رضا ناه این ز مزدوران کنیف امپریالیسیم همزمان با تأمین سلطه اقتصادی بر ایران سعی نمودند با رواج فرهنگ امپریالیستی و ملی مسئله با مطالب "آزادی زن" عملاً "بی بند و بار" فرهنگ وننگ و روغنی را در جامعه رواج دهند. میدانیم که زنان حاصل این فرهنگ عمدتاً "زنان خانواده های مرفه و پولدار شهر نشین، یعنی همان طبقه سرمایه دار وابسته بودند و زنان متوسط و حتی زنان زحمتکش نیز تحت تأثیر این فرهنگ "زن روزی" قرار گرفتند. ما این فرهنگ را محکوم میکنیم و بیزاران خود را از هر طرز تفکری که بخواهد زن را بصورت کالا و فاقد شخصیت انسانی و انقلابی بسازد اعلام مینماییم. ما میگوئیم که یکی از حربه های امپریالیسیم بغارتگر همین سوق دادن زنان به سمت خود آراشی و محدود کردن نقش زنان به نقش جنسی و تزئینی است. ما مدتیست زنان بسیاری نیز نا آگاهانه هنوز تحت تاثیر این فرهنگ هستند که باید با دست کشیدن از انواع لوازم آرایش و زیور آلات تمگامی خود را با مبارزات ضد امپریالیستی نشان دهند و عملاً

مترقی و ضد امپریالیستی را با زنان طبقه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که مسئله اساسیشان نه تامین آزادی واقعی ، بلکه تامین آزادی سرمایه و غارتگری امپریالیستی و بازگرداندن حاکمیت سیاسی امپریالیسم است، مخدوم گردانند و حربه های بدست طراحان این مسئله برای لوذ کردن سبل رزات زنان مترقی، ما بدهد .

ما از تمام زنان مبارز ایران با رعایت سنن انقلابی مبنی بر ساده پوشیدن و احتراز از استفاده از لوازم آرایش و زیور آلات و میخواهیم هر محل کار خود متشکل شده ، نماینده انتخاب کنند و سعی کنند با تشکلات زنان در سایر ادارات و تشکلهای مترقی ، ضد امپریالیستی کارمندان ، کانونهای دموکراتیک و سازمان های مترقی زنان تماس برقرار نمایند . آنها باید با طی شمارهای ضد امپریالیستی زنانی را که خواهان مبارزه - ضد امپریالیستی نبوده و شمارهای انحرافی تحریک کننده مطرح مینمایند ، از صفوف خود طرد نمایند . و بدینوسیله ارتباط لازم را برای یک حرکت متشکل که امکان انحراف آن و سوء استفاده وجود نداشته باشد ، فراهم نمایند .

البته این بدان معنی نیست که این مقاومت در ، قابل تحمیل حجاب اجبطلی - صورت نپذیرد ، بلکه بدین معناست که این مقاومت مازمان داده شود . زنان باید در - انجام حرکات خود خواهان حمایت فعال مردان همکار خود نیز بشوند .

” اتحاد ملی زنان ”

۵۹ / ۴ / ۱۲